

تحلیل ترابط شرور ارزشی و کمال اخلاقی از منظر استاد مصباح یزدی

* زینب درویشی
** عین اله خادمی
*** امیرحسین منصوری نوری
**** مروه دولت‌آبادی

چکیده

استاد مصباح یزدی به نقش‌آفرینی شرور ارزشی در کمال اخلاقی انسان تصریح می‌نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخگویی به سؤال «بین شرور ارزشی و کمال اخلاقی انسان چه رابطه‌ای وجود دارد؟» می‌باشد و یافته‌های تحقیق عبارتند از: در ایضاح مفهومی ایشان، معیار سنجش کمال و مصلحت، از ملاک فردی باید به ملاک عرفی و نوعی تغییر یافته و عرف بشری سنجه خیر یا شر قرار گیرد. وجود شرور ارزشی سبب می‌شود که در پرتو آزمایش‌های گوناگون دنیایی، ارزش‌ها، کارکرد خود را داشته و از این رهگذر انسان را در آگاهی یافتن از ارزش‌های خود، رسیدن به قرب الهی، بهره‌مندی از وحی، انتخاب درست، آزمایش و قطع وابستگی مذموم به دنیا یاری رسانند. این موارد همگی در قالب لطف الهی به بنده برای رسیدن به کمال اخلاقی که همان درک فقر مطلق موجودات در پیشگاه الهی، رفع حجب بین عبد و رب و قرب الهی است، تحلیل می‌شود.

واژگان کلیدی

مصباح یزدی، کمال، کمال اخلاقی، شر، شر ارزشی.

*. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

zb_darvishi@yahoo.com

e_khademi@ymail.com

amirhoseindoa@gmail.com

mdolatabadi62@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۸

** استاد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

*** دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید رجایی.

**** دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید رجایی و مدرس معارف دانشگاه امام صادق (ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

بیان مسئله

یکی از چالش برانگیزترین مسائلی که از دیرباز مورد توجه متکلمان و فیلسوفان قرار گرفته است، شرور و آلام است. انسان با فطرت الهی خویش، خواهان زندگی جاودان، فاقد درد و رنج و رسیدن به کمال و تعالی اخلاقی است؛ در مسیر زندگی وقتی با موانع و مشکلات روبرو می‌شود از خودش می‌پرسد حکمت وجود این شرور چیست؟ چرا خداوندی که خیرخواه مطلق است آنها را آفریده است؟

اهمیت موضوع بدین جهت است که مسائلی چون اراده، عدل و علم الهی، حسن و قبح، رابطه خدا با آدمی و هدف از آفرینش انسان، کمال و تعالی انسان با این موضوع پیوند خورده است. پاسخ به مسئله شر در فلسفه اسلامی مبتنی بر عنایت و عدل^۱ الهی داده شده است. استاد مصباح یزدی به‌عنوان یکی از پیروان فلسفه صدرایی با رویکرد فلسفی و اصول جهان‌شناسی توحیدی این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی به تبیین آرای ایشان می‌پردازیم.

پژوهش حاضر در این راستا شکل گرفته است و به نقش شرور با تأکید بر شر ارزشی در کمال اخلاقی با تأکید بر دیدگاه استاد مصباح یزدی می‌پردازد.

در رویارویی با شرور و آلام، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: گروهی با گرایشی ماتریالیستی، شرور را لازمه طبیعت جهان دانسته و تدبیر حکیمانه‌ای را بر عالم حاکم نمی‌دانند. برخی وجود دو مبدأ خیر و شر را برای حل مشکلات پیشنهاد کرده‌اند. گروهی نیز با دیدگاه توحیدی به حل مشکلات پرداخته‌اند. (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۶۶۸؛ لاهیجی، ۳۲۳: ۱۷۲)

سؤال اصلی جستار حاضر این است که، «بین شر ارزشی و کمال اخلاقی انسان از دیدگاه مصباح یزدی چه رابطه‌ای وجود دارد؟» نگارندگان برای یافتن پاسخ به مسئله اصلی پژوهش ناچار هستند سؤالات مرتبط با آن را نیز مورد بررسی قرار دهند؛ این سؤالات عبارتند از: «معنای شر بر اساس دیدگاه استاد مصباح یزدی چیست؟ کمال به چه معناست؟ کمال نهایی انسان از منظر استاد مصباح چیست؟ آیا کمال موردنظر، کمال وجودی است یا اخلاقی؟ فطرت کمال‌طلبی انسان چه نقشی در نگرش او به مسئله شر دارد؟

پس از بیان مسائل موردنظر این پژوهش به پیشینه پژوهش خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌هایی که مشابه این هستند مورد توجه قرار گرفته و وجوه تمایز پژوهش حاضر با آنها مورد اشاره قرار گرفته است.

براساس جستجوی نگارندگان، کتاب یا پایان‌نامه‌ای ارائه نشده که به بررسی و تبیین نظرات آیت‌الله مصباح یزدی پرداخته باشد اما دو مقاله را می‌توان مرتبط با این پژوهش دانست که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. «حقیقت کمال اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی»؛ در این مقاله به تبیین کمال وجودی و فلسفی از منظر علامه مصباح یزدی پرداخته شده است و با اعم شمردن این دو از کمال اخلاقی، سعادت انسان را به این کمالات وابسته، معرفی کرده است. (جان‌نثاری، ۱۳۹۳: ۱۱۲ - ۹۱) اما در مسئله پژوهش حاضر مسئله وجودی، مطرح نیست؛ بلکه موضوع، رابطه کمال اخلاقی با شر ارزشی است.

۲. «تبیین مفاهیم ارزشی در فلسفه اخلاق از دیدگاه علامه مصباح یزدی (ره)»؛ این مقاله در واقع مصاحبه‌ای است که به بیان اینکه مقولات ارزشی، اعتباری هستند یا خیر پرداخته است، (میری، ۱۳۹۹: ۳۴۴ - ۳۴۶) به خلاف این جستار که به حقیقت شر ارزشی و رابطه آن با کمال اخلاقی پرداخته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، براساس جستجوی نگارندگان، بحث مستقلی در رابطه بین شر ارزشی و کمال اخلاقی از دیدگاه علامه مصباح یزدی صورت نگرفته است؛ از این‌رو بر آن شدیم به تحلیل دیدگاه استاد مصباح یزدی در رابطه بین شر با تأکید بر شر ارزشی و کمال اخلاقی انسان که یک موضوع جدید است، بپردازیم.

معناشناسی شر

در این بخش ابتدا به بیان معنای لغوی «شر» پرداخته و در معنای اصطلاحی سعی می‌کنیم معنای موردنظر آیت‌الله مصباح یزدی را روشن‌تر کنیم.

۱. معنای لغوی شر

شر را در لغت به نقیض خیر و اسمی که جامع ردائیل و خطاها است، معنا کرده‌اند. جمع این واژه شرور بوده و به معنای بدی، فساد، ظلم و زیان می‌باشد. (دهخدا، ماده شرر)

۲. معنای اصطلاحی شر از منظر مصباح یزدی

از منظر علامه مصباح یزدی شر مانند خیر و وجود به شرح اسم و لوازم و ملزومات تعریف می‌شود. همه افعال انسان و خداوند به حب ذات منتهی می‌شوند و ایشان شر را بر مبنای حب ذات و کمال‌جویی فطری معنا می‌کند. (مصباح، ۱۳۹۱ الف: ۱ / ۳۴ - ۳۳) این تعریف در واقع ناظر به خیر و شر نسبی است؛ مانند آنکه وجود زهر برای مار خیر است، اما برای مارگزیده شر است. مطابق این مفهوم، تمامی قوای

خدادادی انسان برای او خیر است و موجب رشد و کمال او است، اگرچه برای موجود دیگری که از ناحیه انسان صدمه می‌بیند، شر است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۱۲)

براساس تعریف مذکور ملاک خیر و شر از نگاه عرفی، کمال‌خواهی مبتنی بر میل و رغبت فرد انسان است که نتیجه آن نسبی بودن این مفهوم در نسبت با یک شخص است؛ به باور ایشان تنها منشأ اختلاف انسان‌ها در تشخیص کمال، در شناخت مصادیق و محاسبه منفعت و ضرر شخصی است. (مصباح، ۱۳۷۶: ۳۷) پس از این بیان، استاد مصباح یزدی با تغییر نگرش از فردمحوری به محور قرار دادن جمع انسان‌ها، معیار سنجش کمال و مصلحت را از ملاک فردی به ملاک عرفی و نوعی تغییر می‌دهد و عرف بشری را به‌عنوان سنجه خیر و شر معرفی می‌کند. (مصباح، ۱۳۷۸ الف: ۲ / ۴۲۱) این تغییر نگرش علامه مصباح یزدی مورد انتقاد قرار گرفته است و مخالفان، ملاک قرار دادن نوع را فروکاست جایگاه فرد به حساب آورده و از این‌رو آن را نپذیرفته‌اند، اما علامه مصباح یزدی معتقد است، این منتقدان دچار قیاسی ناقص بین خود و خدا شده‌اند؛ به این معنا که این ویژگی را محور سنجش خیر و شر بودن خدا به انسان تعمیم داده‌اند (برنجگار؛ و کیلی؛ بهرامی، ۱۳۹۸) به نظر نگارندگان، مخالفین به این نکته توجه نداشته‌اند که تشخیص محوریت خدا براساس تشخیص عقل از حسن بودن افعال الهی است و همین عقل است که ملاک نوع را جایگزین فرد می‌کند و از این جهت نقص بر قیاس آنها وارد است. پس از بیان معنای شر به بیان معنای کمال از منظر آیت‌الله مصباح یزدی خواهیم پرداخت.

معناشناسی کمال

برای معناشناسی کمال ابتدا به معنای لغوی و سپس به معنای اصطلاحی آن خواهیم پرداخت.

۱. معنای لغوی

مفهوم کمال مفهومی روشن و بی‌نیاز از تعریف می‌باشد، ولی به جهت ایضاح فزون‌تر، عالمان لغوی آن را چنین تعریف کرده‌اند: کمال اسم از ماده «کمل» است، بر ذواتی که اجزا یا محاسنش تمام شده باشد اطلاق می‌گردد کمل الشیء کمولا من باب قعد، والاسم الکمال، و يستعمل في الذوات وفي الصفات، يقال: کمل إذا تمت أجزاؤه و کملت محاسنه. (فیومی، ۱۹۲۸: ۷۴۳) عده‌ای از اهل لغت واژه تمام و کمال را به یک معنا دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۸۱۳؛ ابن‌منظور، ۱۹۹۴: ۵ / ۴۳۶؛ فیروزآبادی، ۱۰۵۴: ۱۹۹۱) با اینکه از نظر گروه دیگر از لغویون، اندک تفاوتی میان واژه‌های تمام و کمال وجود دارد؛ اما پرداختن به این تفاوت معنایی در روشن شدن معنای کمال مؤثر است، این تفاوت را می‌توان این‌گونه بیان کرد که مفهوم تمام، مرتبه‌ای پایین‌تر از کمال داشته و پس از شکل‌گیری اجزای اولیه یک شیء شکل می‌گیرد.

در واقع، مفهوم تمام همان کمال اول شیء و اصطلاح کمال، همان کمال ثانی شیء از منظر فلسفی است که به صفات مکمل شیء و عوارض آن پس از تشکیل ذات اطلاق می‌شود. راغب در مفردات کمال را عبارت از حصول غرض یک شیء (طبیعت) بعد از حصول خود شیء می‌داند: «کمال الشیء: حصول ما فیہ الغرض منه. فإذا قیل: کل ذلك، فمعناه: حصل ما هو الغرض منه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۷۲۶) اما برخی کمال را رسیدن به غرض و بی‌نیازی از دیگری تعریف کرده‌اند. (همان: ۱۶۸؛ زبیدی، ۸: ۱۸۸۹ / ۱۰۳؛ فراهیدی، ۱۹۹۴: ۳ / ۱۵۹۴) حاصل اینکه، برای یک شیء سه مرحله قابل تصور است؛ نقصان، تمام و کمال. نقصان زمانی است که همه اجزای داخلی آن محقق نشده باشد. تمامیت پس از تحقق همه اجزاست و کمال آن زمانی است که آثار و اغراضی از بیرون شیء و بالاتر از تمامیت اجزاء برایش تحقق یافته باشد که در این پژوهش کمال به معنای سوم مورد بحث است. پس از بیان معنای لغوی معنای اصطلاحی کمال را بیان خواهیم کرد.

۲. معنای اصطلاحی کمال

کمال عبارت است از: آنچه موجب کمال موجودی به حسب شرایط و ویژگی‌های او می‌شود. به طور مثال سعادت، کمال نهایی انسان است و کمال نهایی او به فعلیت رسیدن همه استعدادهای ویژه اوست. البته با توجه به معنای لغوی که پیش‌تر گفته شد، دقیق‌تر آن است که گفته شود، تمامیت انسان (کمال اول) که امری تکوینی است به ذات موجود بقاء می‌دهد و کمال (کمال ثانویه) هر آن صفاتی است که انسان پس از تثبیت بقایش حاصل می‌کند و ارزش‌های انسانی خود را با آن تعالی می‌بخشد. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۲۲ - ۲۱) بحث این پژوهش، کمال اخلاقی از نوع کمال (کمالات ثانیه) است. از منظر علامه مصباح یزدی، موجودی که صفت ویژه نوع خود را نداشته باشد ناقص است؛ (مصباح، ۱۳۸۴: ۳۵) مانند انسان که صفت ویژه او سیر روح به سمت خدا و یافتن فقر محض بودن خود در پیشگاه الهی است. (همان: ۲۵۸) براساس آنچه پیش‌تر گفته شد این کمال انسانی به شمار می‌رود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۹۴ - ۹۸) در اینجا می‌توان علامه مصباح یزدی را تحت‌تأثیر ملاصدرا دانست زیرا ایشان انسان را تنها موجودی می‌داند که استعداد صعود از پایین‌ترین درجه تا بالاترین درجات را دارد. (گرجیان، ۳۸: ۱۳۹۵) در این موضع این نکته قابل توجه است که اشتباه در مصداق کمال - مانند آنکه شخصی به جای قرب الهی رسیدن به مواهب دنیا را کمال پندارد - سبب نمی‌شود که مرتبه‌مندی کمال انسانی دچار خدشه شود. (مصباح، ۱۳۸۴ ب: ۱۶۳ - ۱۰۷؛ ۲۳۴ - ۲۲۱؛ همو، ۱۳۸۲ الف: ۱۶۱ - ۱۴۱) پس از تعریف شر و کمال به بیان انواع آن دو می‌پردازیم.

اقسام شر

استاد مصباح یزدی ابتدا خیر را تقسیم‌بندی کرده و از این رهگذر به بیان اقسام شر می‌پردازد:

۱. خیر یا شرّ اصیل و فی نفسه: موجود صرفاً از آن جهت که یکی از آفریدگان حق تعالی است، خیر است یا شرّ؟ علامه مصباح یزدی معتقد است هر موجودی که آفریده شده است، وجودش خیر است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۰۹)

۲. خیر یا شرّ نسبی: موجودی که سبب رشد موجود دیگر شود نسبت با او خیر است و اگر همان سبب نقص موجود دیگری شود نسبت به آن شر خواهد بود؛ مانند موش که فی‌ذاته خیر است اما برای کشاورز شر است. در مورد انسان هم اعمال او باعث نقص کمال او می‌شود. تقسیم خیر و شر به اضافی و ارزشی نیز به همین سبب است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۰۵ - ۱۰۴)

۳. خیر یا شرّ ارزشی: موجودی که بوجود آورنده ارزش و مصلحت در عالم باشد، خیر و موجودی که ضد ارزش و مفسد را پدید می‌آورد شر محسوب می‌شود؛ که این قسم از خیر یا شر وصف عمل اختیاری است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۰۹) استاد مصباح یزدی بر این نوع از خیر و شر توجه ویژه‌ای داشته و این پژوهش نیز عهده‌دار بیان رابطه این نوع از شر با کمال اخلاقی است. پس از پایان بیان مراتب شر به بیان انواع معانی کمال خواهیم پرداخت.

انواع معانی کمال

معانی کمال براساس حیثیات موردنظر متفاوت می‌شود. با توجه به اینکه هدف پژوهش، بررسی رابطه شر ارزشی با کمال اخلاقی است؛ لازم به نظر می‌رسد، ابتدا معانی مختلف کمال مورد بررسی قرار گیرد تا از این رهگذر تفاوت کمال اخلاقی با سایر معانی کمال روشن گردد.

۱. کمال وجودی

آیت‌الله مصباح یزدی که به حیثیات مختلف کمال توجه داشته است، از لحاظ فلسفی و اخلاقی آن را مورد واکاوی معنایی قرار می‌دهد؛ از منظر ایشان، کمال را به معانی مختلف می‌توان معنا کرد:

۱. کمال به معنای هر صفت وجودی که ذات موجود، به آن متصف می‌شود. در این معنا کمال، ذات را شامل نمی‌شود و وصف وجودی شیء است. (مصباح، ۱۳: ۱۳۷۵)

۲. کمال به معنای شدت وجود که خود شامل دو قسم است: الف) کمال حقیقی، ب) کمال مقدمی.

الف) کمال حقیقی هر موجودی عبارت است از: صفاتی که موجود با اتصاف به آن اوصاف به فعلیت می‌رسد، و این کمال ممکن است مراتب داشته باشد و بالاترین مرتبه آن در مورد انسان که کمال حقیقی

او به شمار می‌رود، قرب الهی است که کمال اصیل، نهایی و متعالی نیز نامیده می‌شود. (ب) کمال مقدمی اموری هستند که از نظر مرتبه نازل‌تر از کمال حقیقی و برای تکامل لازم هستند؛ اوصاف وجودی نازل‌تر را در صورتی می‌توان به‌عنوان آلی و مقدمه کمال یک موجود به شمار آورد که برای رسیدن او به کمال حقیقی نقش مقدماتی داشته باشند. به عبارت دیگر کمال بودن آنها نسبی است. (مصباح، ۱۷: ۱۳۷۵)

۲.۶ کمال اخلاقی

علامه مصباح یزدی کمال را در بعد اخلاقی این‌گونه تعریف می‌کند: موجودات مادی براساس کمالات وجودی خود، دارای مراتبی هستند که از میان آنها جمادات پایین‌ترین درجه سپس نباتات و حیوانات در وسط و انسان در بالاترین درجه قرار دارد.

انسان در بالاترین درجه قرار گرفته است؛ لکن دارای قوای نازل نیز می‌باشد که باید آنها را در حدی که برای رسیدن به تکامل مفید باشد به کار گیرد؛ وگرنه موجب توقف تعالی او می‌شود. از آنجاکه کمال حقیقی هر موجود، کمالی است که بالاترین درجه فعلیت اخیر او اقتضای رسیدن به آن را دارد، (مصباح، ۱۳۸۴ الف: ۱۸ - ۱۵) و انسان به دلیل آنکه در بالاترین درجه وجودی ممکنات قرار دارد، اقتضای وجودی او رسیدن به قرب الهی است؛ بنابراین قرب الی الله، کمال نهایی انسان است. (مصباح، ۱۳۸۴ الف: ۹۶ - ۹۱) انسان برای رسیدن به این مرتبه باید تمام امکانات از جمله اخلاق را در این جهت به کار گیرد، از این منظر می‌توان بین کمال وجودی و کمالات مقدمی تفاوتی را لحاظ کرد که در اینجا به دلیل موضوع جستار به تفاوت کمال وجودی و کمال اخلاقی اشاره خواهد شد.

۳. تمایز کمال وجودی و کمال اخلاقی

با توجه به تعاریف مذکور نکات ذیل را می‌توان در خصوص تفاوت کمال وجودی و اخلاقی مطرح کرد:

۱. کمال اخلاقی با اختیار حاصل می‌شود؛ ولی کمال وجودی اختیاری نیست، گرچه کمال اخلاقی نیز مانند کمال وجودی متناسب با فعلیت اخیر است. شایان ذکر است که کمال اخلاقی خود، دارای مراتب مختلف است.

۲. نکته دیگر این‌که، رابطه عموم و خصوص مطلق بین کمال وجودی و کمال اخلاقی وجود دارد؛ یعنی کمال اخلاقی وجودی از کمال اخلاقی است. هر دو از مراتب وجود هستند؛ اما برخی مربوط به عالم تکوین و بعضی مربوط به عالم تشریح و زیرمجموعه کمال اخلاقی قرار می‌گیرد.

۳. کمالی که حصول آن اختیاری است، تابع حرکات مادی بدن نیست؛ بلکه همچون مقوله‌هایی از

قبیل کمال نهایی و قرب الهی، معنا و ادراک، دارای نمود معنوی و مربوط به روح انسان است. از این رو تقرب بیش تر نسبت به خداوند، در گرو آگاهی و شهود بیش تر مقام ربوبی است. حاصل اینکه علامه مصباح یزدی راه وصول به این درجه را حرکتی اختیاری و علم‌محور معرفی می‌کند که روح انسان را به کمال می‌رساند. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۷۸) این کمال سبب می‌شود که انسان هیچ وجه استقلالی در عالم مشاهده نکند و حجابی بین او و حضرت حق باقی نماند. (مصباح، ۱۳۸۴ الف: ۲۵۸) این درجه از قرب، نگرش انسان را تغییر می‌دهد به طوری که لذت‌های غیراصیل را کنار زده و حتی لذت بهشت در نظر او اصیل نیست و همت او کسب رضای الهی است. (همو، ۱۳۸۴ الف: ۸۱) علامه مصباح یزدی این نوع کمال را کمال اخلاقی نامیده و رسیدن به این نوع کمال را مایه سعادت انسان معرفی نموده (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۶ - ۵) و آن را در قالب درک بالاترین لذایذ عقلانی و روحانی تحلیل می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۹۸) بنابراین ایشان وصول به کمال اخلاقی را اختیاری و مبتنی بر علم و معرفتی می‌داند که انسان را به درک لذت حقیقی و در نتیجه سعادت حقیقی می‌رساند. پس از بیان مراتب شر و انواع کمال اکنون به بیان رابطه شر ارزشی (ضد ارزش) و کمال اخلاقی خواهیم پرداخت.

رابطه شر ارزشی و کمال اخلاقی انسان

همه اجزاء عالم درهم‌پیچیده شده و موجودات جهان هستی به صورت برابر و همانندی باهم مرتبط هستند. وجود شر برای محقق شدن خیر و تعریف آن است. اگر شر نبود امکان نداشت که عقل به معانی خیر دستیابی داشته باشد. چگونه شرور باعث کمال انسان می‌شوند؟ با توجه به منطق صدرایی، شر محض، عدم محض است (شیرازی، ۵۹: ۱۳۷۹) که در دنیا وجود ندارد. هر چیزی به اندازه بهره‌مندی از وجود خیر است. استاد مصباح یزدی معتقد است «هرگاه به کمال رسیدن موجودی متوقف بر شرط عدمی باشد می‌توان آن امر عدمی را به یک معنا از اجزاء علت‌تامه برای حصول کمال مفروض شمرد و از این جهت آن را خیر برای چنین موجودی محسوب داشت». (مصباح، ۱۳۷۸: ۴۵۶ - ۴۵۷)

براساس آنچه بیان شد شرور در زندگی انسان‌ها باعث حرکت درجهت کمال اخلاقی که همان قرب الهی است می‌شود و به طور خاص شناخت ضد ارزش‌ها (شر ارزشی) نظام ارزش‌های انسان را براساس هدف نهایی سامان‌دهی می‌کند. این انسان که در لسان حکمای الهی و عرفا از او به انسان کامل تعبیر می‌شود، انسانی است که در واپسین مراتب تکامل انسانی به مبدا اصیل خود یعنی حق تعالی باز می‌گردد و سیرش را با او به پایان می‌رساند. (پاشایی، ۴۴۲: ۱۳۹۹) این بیان در واقع بیان اجمالی رابطه میان شر ارزشی و کمال اخلاقی است و در ادامه به تفصیل این رابطه از منظر علامه مصباح یزدی خواهیم پرداخت.

۱. شرور ارزشی وسیله‌ای برای شناخت ارزش‌های منتهی به کمال اخلاقی

با توجه به آنچه در بیان معنای کمال حقیقی گفته شد، یکی از عواملی که باعث کمال اخلاقی انسان و رسیدن به قرب الهی و از میان برداشته شدن حجاب‌ها بین انسان و خداوند می‌شود علم و آگاهی او نسبت به خود و ارزش‌های نهفته در وجود خویش است، جهان‌بینی و نوع تلقی انسان از زندگی به رفتار او جهت می‌دهد. انسان باید جهان هستی را درست بشناسد و نسبت به موقعیت خود در آن و اینکه نهایتاً به کجا خواهد رفت، بینش صحیح داشته باشد. وگرنه تلاش وی برای انتخاب کمال نهایی بی‌فایده خواهد بود. (مصباح، ۱۳۹۱ پ: ۲۷۲) یکی از عواملی که این شناخت را به انسان می‌دهد، وجود شرور ارزشی است.

بنابراین قرارگیری شرور و به‌ویژه شرور ارزشی براساس حکمت الهی بوده و از این رهگذر ارزش‌ها و ضدارزش‌های وجود انسان بر او روشن خواهد شد. براساس این شرور لطف الهی به حساب آمده و انسان می‌تواند با نگرشی درست شرور را به فرصتی برای کمال و شناخت خود تبدیل کند. فرآیند این شناخت را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد که در این جهان اموری وجود دارد که سبب لذت و الم انسان می‌گردد.

علامه مصباح یزدی در نظام ارزشی اسلام، ابتدائاً لذت [حقیقی] را فطری می‌داند و در ثانی لذت یا الم را ملاک پاداش یا کیفر اخروی به حساب می‌آورد. (مصباح، ۱۳۹۱ الف: ۳۴ - ۳۳) چنانچه این تحلیل را بر شر ارزشی منطبق نماییم این نتیجه حاصل خواهد شد که شناخت ارزش از ضدارزش در تکامل انسان نقش حیاتی دارد و سامان‌دهنده پاداش اخروی او نیز هست.

از آنجاکه انسان از یک‌سو با غرایز، شهوات و لذات مادی مواجه است، که اگر متوجه هدف و کمال نهایی خود نباشد گرفتار آنها می‌گردد و او را از هدف خود باز می‌دارند و به شقاوت می‌رسانند و ازسوی دیگر گرفتار شروری مانند مرگ، آفات و ... است؛ درواقع محیط زندگی انسان باید به‌گونه‌ای باشد که زمینه مناسب برای شکوفا شدن استعدادهای او وجود داشته باشد. می‌توان گفت یکی از اموری که سبب ایجاد شدن چنین فضایی می‌شود آلام، مشکلات، مصیبت‌ها و درگیر شدن انسان با سختی‌ها است که تحمل و صبر در برابر آنها با تلاش همراه است و منجر به قوی شدن نفس و توجه او به ارزش‌های درونی خود می‌شود. اینجاست که شرور ارزشی دید انسان را به زندگی تغییر می‌دهند و غرایز را به ابزاری برای رشد و تکامل اخلاقی و وسیله‌ای برای رسیدن او به قرب الهی تبدیل می‌کند.

برخی از آیات قرآن را می‌توان در این راستا تحلیل کرد:

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ أَشْيَاءَ مِنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقَصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره / ۱۵۵) و ما بی‌گمان شما را با گونه‌ای از ترس و گرسنگی و نقصان مال و جان و محصول، امتحان خواهیم کرد و (تو ای پیامبر) صابران را بشارت ده» عبارت «بشر الصابرين»

دال بر این است که پاداش و فرجام نیکو در پرتو صبر و استقامت انسان در مقابل بلاها حاصل می شود. از این مسئله می توان این برداشت را کرد که چنانچه شر ارزشی عدم استقامت و بی صبری در وجو انسان حاکم باشد فرجام نیکو و پاداش برای او منتفی است یا دست کم با عدم قطعیت همراه خواهد بود. چنان که در روایت آمده است که: «همانا در بهشت درجه ای است که هیچ بنده ای به آن نرسد جز به سبب آزمایشی که در بیماری جسدش می بیند». (کلینی، ۱۳۹۰: ۴ / ۵۱۵)

این روایت حاکی از آن است که رسیدن به بهشت (کمال انسان) از طریق ابتلاء و آزمایش است و بدیهی است که مراد صرف ابتلاء نیست؛ بلکه برخورد درست و تلاش در برابر مصیبت ها است و چنین صبری انسان را سزاوار چنین مقامی می کند چرا که با صبر و استقامت انسان شر ارزشی را از خود دور کرده و یکی از مراتب کمال اخلاقی را که سبب عاقبتی نیکو برای او خواهد شد به دست آورده است. پس می توان گفت که یکی از اهداف شرور و آلام آن است که انسان های خاص و شایسته در مسیر صحیح و مشخص شده قرار بگیرند و به آن مقامی که حق تعالی برای آنها در نظر گرفته است؛ نائل شوند و این به دست نمی آید مگر با خودشناسی که در رویارویی با شرور برای انسان حاصل می گردد. نکته ای که در این موضع لازم است به آن توجه شود این است که رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی در گرو اختیار و انتخاب آگاهانه انسان است که در ادامه به آن پرداخته می شود.

۲. قرب الهی در گرو اختیار و انتخاب آگاهانه کمالات درپی شناخت شرور

انتخاب خوبی ها برای انسان مختار که در درون او میل به بدی ها نیز وجود دارد، با تلاش و صبر همراه است و اگر در دنیا هیچ درد و المی نباشد مفاهیمی مثل صبر، تلاش، کوشش و ... که ارزش های اخلاقی محسوب می شوند و در واقع نبود آنها شر ارزشی به حساب می آید، معنایی نداشت.

حکیم سبزواری در مورد اختیار انسان در باب شر می گوید: «انسان براساس خواست و اختیار خود مسیر خود در این عالم را انتخاب می کند». (سبزواری، بی تا: ۳۲۶) علامه مصباح یزدی نیز با نظر سبزواری موافق است و معتقد است انسان دارای قدرت انتخاب و اختیار است و می تواند مسیر زندگی خود را مشخص سازد و استعداد درک رحمت و عقاب الهی را دارد. خداوند انسان را آفریده است تا او مظهر همه صفات و اسماء خودش گردد و به او اختیار و انتخاب داده است تا در او زمینه خلافت الهی فراهم شود و جایگاه ویژه ای برای انسان به عنوان عامل یا پذیرنده شر قائل است. (مصباح ۱۳۸۲ ب: ۲۱۰)

آیت الله مصباح یزدی انسان را دارای دو بعد جسمانی و روحانی می داند که عناصری مانند خلافت، کرامت، اختیار، شناخت و تکامل به او شرافت داده و از دیگر موجودات تمایز بخشیده است. ایشان سلسله فهم و تفسیر شر در وجود آدمی را از گرایش های درونی او آغاز می کند.

اولین گام؛ نفی گرایش فطری به شر است. علامه مصباح یزدی گرایش به شرور را به جهت آزادی اختیار انسان می‌داند و گرایش به شر - از آن جهت که شر است - را نمی‌پذیرد. (مصباح، ۱۳۹۱ الف: ۱ / ۱۸۱)

پس این گونه نیست که انسان با وجود حکم به شر بودن امری، مرتکب آن شود؛ بلکه مجموعه گرایش‌های درونی، اموری را نزد انسان خوشایند یا ناخوشایند معرفی می‌کند. ممکن است یک پدیده یکسان نزد شخصی خوشایند و نزد دیگری ناخوشایند باشد اما وجه اشتراک هر دو، آن است که به حکم کمال‌خواهی، ارتکاب به هر امری نزد فاعل آن خوشایند توجیه می‌گردد. البته این بیان به حسب فطرت اولیه و کمال‌جویی توحیدی انسان است که جز گرایش به خیر چیزی در آن راه ندارد؛ لکن گاهی در مسیر گمراهی قرار می‌گیرد. که تسلیم هوای نفس شده و طغیان و کفران زنگار فطرت او می‌شود.

شرور یا خیرات براساس این مسیر انتخابی در راه او قرار می‌گیرند؛ بنابراین وجود شر، عدل و خیرخواهی خداوند را نقض نمی‌کند. زیرا خداوند از یکسو قدرت اختیار و انتخاب را به انسان داده و از سوی دیگر عقل را برای شناخت صحیح مسیر به او عنایت کرده است. پس عقل و اختیار ابزار رشد و تعالی انسان است، زیرا آنچه رشد و تعالی انسان را در پی دارد انتخاب راه صحیح از ناصحیح است که با اختیار محقق می‌شود؛ هیچ کاری برای انسان کمال محسوب نمی‌شود مگر اینکه با اختیار و سعی و تلاش میسر شود. به عبارت دیگر به کمال و تعالی رسیدن انسان هم، زمانی ارزشمند است که در برابر شرور و موانع مقاومت کند و از آنها عبور کند و تا آنجا که در توان او باشد ضدا ارزش‌ها را محو و ارزش‌ها را جایگزین آن کند و تصمیمات و عمل‌کردهای او براساس تقویت و نهادینه شدن ارزش‌ها و نابودی شرور ارزشی (ضدا ارزش‌ها) باشد و این همان کمال اخلاقی است. بنابراین اگر انسان تنها به لطف و عنایت الهی و بدون تلاش به کمال برسد، گرچه به جایگاه موردنظر رسیده است، ولی قابل تمجید و ستایش نیست.

اکنون به بیان نقش شرور در بهره‌مندی انسان از وحی خواهیم پرداخت.

۳. شرور موجب بهره‌مندی انسان از وحی و رسیدن او به کمال نهایی

معیار خوبی‌ها و بدی‌ها یکی از مواردی است که مورد اختلاف فلاسفه است. فلاسفه غربی انسان را ملاک و معیار برای خیر و شر معرفی می‌کنند و معتقدند مفاهیم ارزشی با تمایلات انسان سنجیده می‌شوند و تابع فرهنگ‌ها و ارزش‌های مختلف است. انسان گرایش به اموری دارد که منطبق بر خیر و شر است و با حکم کمال‌جویی بدان حکم می‌کند. و این سرآغازی برای نسبی دانستن مسئله خیر و شر مطرح شده است. علامه مصباح یزدی نسبت در مورد شر و خیر ارزشی را صحیح نمی‌داند و ایشان معتقد است خیر و شر نسبی در رفتار آدمیان وجود دارد، ولی خیر و شر در اصول اخلاقی نسبی نیست و

ریشه در واقعیات دارد نه در اذهان. پس حکم به ارزش یا ضدارزش در هر امری بر مدار کمال اخلاقی است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۰۸ - ۱۰۱)

به اعتقاد مصباح هدف و گمشده‌ای که انسان‌ها در پی یافتن آن تلاش می‌کنند و برداشت آنها از خیرات و شرور باهم تفاوت دارد. برخی نعمت دنیا، برخی بهشت و عده‌ای هم نعمت‌های بالاتر مثل قرب الهی و جوار حق را جستجو می‌کنند. (مصباح، ۱۳۹۱ الف: ۱ / ۱۸۹) اما انسان دویعدی با عقل محدودش چگونه راه کمال را طی می‌کند و انتخاب او نسبت به خیر و شر برچه اساسی رقم می‌خورد؟

در پاسخ باید گفت انسان علاوه بر قدرت انتخاب، نیازمند شناخت است تا راه سعادت و کمال را انتخاب کند. در اینجا علامه مصباح یزدی صفت هادی بودن خداوند را مطرح می‌کند که نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند شناخت ایفا می‌کند؛ زیرا حکمت الهی به انتخاب‌گر بودن انسان تعلق گرفته است و انتخاب در گرو شناخت درست است و صفت حکمت الهی اقتضاء می‌کند خداوند انسان را هدایت کند و راه‌های هدایت، عقل و وحی است. عقل از درون، انسان را راهنمایی می‌کند و انبیاء از طریق وحی هدایت الهی را دریافت کرده و به مردم ابلاغ می‌کنند و هدف این دو راه نیل انسان به کمال و قرب الهی است. (مصباح، ۱۳۸۲ ب: ۱ / ۲۳۸ - ۲۳۷) به نظر می‌رسد علامه مصباح یزدی در اینجا به تأثیر از استاد خود علامه طباطبایی - که معتقد است انسان از راه عقل فقط کلیات مسائل را می‌یابد ولی جزئیات و مصالح خصوصی احکام در دسترس عقل نیست (طباطبایی، ۱۰۶: ۱۳۸۰) - بوده است و به نظر ایشان نیز عقل انسان عامل درونی هدایت و تشخیص خیر و شر است، اما این عامل با توجه به محدودیت و عدم‌شناخت جزئیات و احکام تفصیلی کامل نیست و نمی‌تواند به‌طور کامل راهنمای انسان در زندگی باشد. از این رو، خداوند عامل بیرونی، یعنی وحی را نیز در اختیار انسان نهاد تا با آن حق و باطل، ارزش و ضدارزش و احکام همه رفتارهای اختیاری خود را تشخیص دهد. (مصباح، ۱۳۹۱ ب: ۱۲۵؛ ۱۳۸۲ الف: ۱۸۷) این شناخت وحیانی از آنجاکه ملایم فطرت انسانی است، می‌تواند خیر ارزشی را در درون انسان نهادینه کرده و او را از شرور ارزشی بر حذر دارد.

اکنون که نقش شرور در بهره‌مندی انسان از نعمت وحی الهی روشن شد به نقش دنیا و شرور موجود در آن به‌عنوان زمینه‌ساز انتخاب و اختیار انسان که مرتبط با کمال اخلاقی او است، خواهیم پرداخت.

۴. وجود دنیا و شرور موجود در آن، زمینه‌ساز بروز انتخاب و اختیار انسان و رسیدن او به کمال اخلاقی همانطور که اختلاف علایق مردم موجب زیبایی‌ها، خلاقیت‌ها و اکتشافات متنوع شده است وجود عالم با نظام مادی با تراحم و تضادها برای شکل‌گیری انتخاب‌های عالی انسان و رسیدن وی به رشد و کمال لازم است و اگر این نظام دارای تراحم و تضاد نبود این همه کمالات انسانی محقق نمی‌شد؛ بنابراین

اختلافات هم برای نظام مادی عالم و هم برای جامعه انسانی لازم است. حاصل سخن اینکه ساخت یک عالم با نظام مادی در مقایسه با نظامی بدون تزاحم، برای رشد انسان در تمام جهات کمال به‌ویژه کمال ارزشی بهتر و مفیدتر است. (مصباح، ۱۳۹۱ ج: ۱۳۳) می‌توان علامه مصباح یزدی را در این عقیده پیرو علامه طباطبایی دانست. علامه در چرایی خلق عالم ماده می‌گوید: ماده است که امکان داشتن یا نداشتن کمال را برای انسان فراهم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۱۰ - ۲۰۹)

آیت‌الله مصباح یزدی نیز معتقد است برای تحقق انتخاب باید دو راه صعود (کمال) و سقوط (شر) وجود داشته باشد تا زمینه برای امتحان و انتخاب آگاهانه فراهم شود؛ بنابراین حکمت خلق عالم را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که، عالم جایگاه تغییرات گوناگون است و این تغییرات زمینه‌ها را برای انتخاب‌های بسیار پیچیده و مختلف در عرصه‌های متفاوت فراهم می‌کند، تا آن انتخاب مطلوب تحقق پیدا کند و انسان از این طریق، لایق عالی‌ترین فیض الهی گردد و از فرشتگان نیز بالاتر رود؛ از این‌رو کشف شرور ارزشی اهمیت ویژه‌ای پیدا خواهد کرد؛ چراکه انسان توسط ارزش‌ها و ضدارزش‌های موجود در وجود خود در انتخاب‌ها و حسن یا سوء اختیار مدیریت می‌شود؛ مثلاً ضد ارزشی به‌نام حسد می‌تواند سوء اختیار انسان را در برخورد با سایر انسان‌ها برانگیزد و او را برای یک انتخاب ناصواب مدیریت کند. بنابراین هنگامی که ملائکه گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ»، (بقره / ۳۰) خداوند فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۳۰) شما نمی‌دانید که چرا این موجود می‌تواند خلیفه شود، ولی شما نمی‌توانید خلیفه شوید و ظرفیت آن را ندارید. (مصباح، ۱۳۸۲ الف: ۲۱۲ - ۲۱۱)

به بیان دیگر شرور ارزشی زمینه مواجهه و اختیار انسان را برای مقابله با این شرور فراهم می‌کنند و تنها انسان‌های ویژه هستند که می‌توانند در برابر این شرور، مواجهه شایسته‌ای داشته باشند و زمینه کمال اخلاقی برای خویش را فراهم کنند. از این منظر شرور زمینه‌ساز آزمایش انسان خواهند بود که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۵. شرور زمینه‌ساز آزمایش و ارتباط آنها با کمال اخلاقی انسان

یکی دیگر از عوامل ترابط میان شرور و کمال اخلاقی را چنین می‌توان تبیین کرد که وجود شرور، مقصود بالذات نیست بلکه مقصود بالعرض است. به نظر می‌رسد در اینجا می‌توان علامه مصباح یزدی را تحت‌تأثیر ملاصدرا دانست؛ چراکه ملاصدرا شرور را مجعول بالذات نمی‌داند؛ بلکه برای شرور جعل بالعرض اثبات می‌کند. (شیرازی، ۱۳۷۹: ۷ / ۷۲ - ۷۱) به اعتقاد علامه مصباح یزدی نیز شرور بالذات هرگز متعلق جعل الهی نبوده‌اند بلکه شرور زمینه‌ساز آزمایش انسان‌ها هستند و در سایه تحمل سختی‌ها

و ناگواری‌ها کمالات نفسانی حاصل می‌گردد. (مصباح، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۵۹) بنابراین انسان اگر در مواجهه شدن با شرور از این آزمون الهی سربلند بیرون بیاید لیاقت دریافت عالی‌ترین فیض الهی را پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر، پاسخ این سؤال که چرا خداوند حکیم این شرور را آفریده است؟ آن است که این شرور مانند ضدارزش‌ها، دردها، رنج‌ها، غصه‌ها، فراق‌ها، عذاب‌ها، شکنجه‌ها و ... مقدمه و وسیله‌ای هستند برای اینکه انسان‌ها بتوانند انتخاب صحیح داشته باشند و به کمال اخلاقی برسند. پس می‌توان گفت حصول آن کمالات مقصود بالذات انسان و تحقق این شرور، مقصود بالعرض است. بنابراین با نگاهی توحیدی می‌توان تمام عالم را به خیر تحلیل کرد. (مصباح، ۱۳۹۶: ۳۴۷ - ۳۴۶)

نکته‌ای که در این موضع قابل توجه است این است که با توجه به اینکه ظرفیت انسان‌ها متفاوت است حکمت الهی اقتضا می‌کند که عرصه‌های مختلفی از خیر و شر پدید بیاید تا شرایط مختلفی برای تکامل انسان فراهم گردد؛ پس علاوه بر شرور اولیه که به صورت عام شامل همه عالم می‌شوند، برای اشخاص هم شرور خاصی در نظر گرفته می‌شود تا زمینه امتحان‌های جدیدی فراهم شود. گاه گمان می‌شود که مثلاً، اگر در فلان جنگ میان پیامبر خدا با کفار و مشرکان، خدا پیامبر را بر کفار پیروز می‌کرد، عالم آباد می‌شد؛ درحالی‌که از حقیقت و حکمت این حوادث و هزاران اثر مثبتی که داشته‌اند غافل هستیم. چه بسا مؤمنان راستین به وسیله همین کفار آزموده می‌شوند و وصول به کمال اخلاقی و مدارج عالی انسانیت و مقام قرب الهی نتیجه همین صبر و استقامت در مقابل سختی‌ها و رنج‌ها می‌باشد. (مصباح، ۱۳۹۴ ب: ۳۷)

حاصل اینکه شرور ارزشی نقش ویژه‌ای در آزمایش انسان خواهد داشت، و از این جهت زمینه را برای کمال اخلاقی فراهم می‌کنند؛ چراکه شر ارزشی معمولاً نمایان نیست و این یک امتحان شخصی را برای انسان رقم می‌زند. به طور مثال: انسانی که از روی ریا، کار نیکویی را انجام می‌دهد مبتلا به یک شر ارزشی است اما ممکن است دیگران عمل او را خیر بپندارند؛ از این رو شناخت شرور ارزشی اهمیت ویژه‌ای پیدا خواهد کرد؛ چراکه لایه‌های پنهان وجود انسان را برای حسن اختیار و پیروزی در آزمایش‌ها، به‌ویژه آزمایش‌های فردی یاری خواهد کرد.

اکنون به رابطه شرور و ارتباط آن با قطع دل بستگی مؤمن به دنیا که مرتبط با کمال انسان است خواهیم پرداخت.

۶. شرور و قطع دل بستگی به دنیا و ارتباط آن با کمال نهایی انسان مؤمن

وجود برخی از بلاها و شرور، برای از بین رفتن دل بستگی مؤمنان به دنیا و لذت‌های آن از مسائل فرعی وجود شرور است. لطف الهی اقتضا می‌کند که حتی برای آنها که شیفته و فریفته دنیا شده‌اند هم

زمینه‌ای برای بروز و ظهور و رشد فراهم شود. یکی از راه‌ها این است که مبتلا به بلا یا شرور شوند تا متوجه شوند لازمه زندگی این دنیا چه شروری است و بدین وسیله تعلق‌شان به دنیا کم شود.

از نظر علامه مصباح یزدی تأثیر و تأثر و تغییر و تضاد و تراحم از ویژگی‌های ذاتی جهان مادی هستند. این ویژگی عالم دنیا که در آن تحقق پدیده‌های جدید در گرو از بین رفتن موجودات قبلی است و ناگزیر از وجود مصیبت‌ها و گرفتاری‌هاست که خود مایه بیداری انسان از خواب غفلت و پی بردن به ماهیت این جهان و عبرت گرفتن از حوادث می‌شود. اگر قانون مرگ و میر بر انسان حاکم نبود که موجب عبرت و توبه از گناهان شود چه بسا به سعادت‌های اخروی و تکامل نمی‌رسید. (مصباح، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۵۹)

به نظر می‌رسد استاد مصباح یزدی در اینجا با استفاده از آموزه‌های قرآنی و تحت تأثیر ملاحظه‌ها، حب دنیا را سرچشمه گمراهی‌ها و مانع کمال و کشف حقیقت معرفی کرده و این مسئله را در مورد عبادات نیز تعمیم داده است. هدف اصلی عبادت آزاد ساختن قلب از مشغولیت‌های مختلف و توجه به مبدأ اصلی و اشتیاق به رضوان الهی است. او برای اعمال بدنی مانند زهد و تقوا و انواع ریاضت‌ها نیز نقش اعدادی قایل است و معتقد است تحمل سختی‌ها و مشکلات در تکامل انسان علل معده برای صیقل دادن قلب از زنگار شهوات و تعلقات مادی و ضعیف شدن قوای حیوانی هستند و اثر آنها این است که قوا مطیع روح شده و متوجه عین ربط بودن به خالق خود می‌شود و همین معرفت نسبت به رابطه خود و خدا او را به معبود نزدیک‌تر می‌گرداند و این نزدیکی کمال او را سامان می‌دهد. (شیرازی، ۱۳۴۰: ۱۰۱؛ همو، ۱۳۶۵: ۹۵؛ مصباح، ۱: ۱۳۸۴ / ۲۲۱)

بنابراین می‌توان گفت شرور مرتبط با پیرایش قلب از موانع، تعلقات و دل بستگی‌ها و ضدارزش‌های مادی و ایجاد آمادگی برای پذیرش معارف الهی است و کشف این ضدارزش‌ها دل بستگی دنیایی انسان را نیز کاهش خواهد داد، به عبارت دیگر، شرور ظاهری که انسان را در حالت اضطراب قرار می‌دهند سبب برطرف شدن تمامی پرده‌ها و موانع مادی از قلب انسان شده و فطرت خداجوی او را بیدار و متوجه وابستگی ذاتی خود به خالق می‌گرداند و در نتیجه قرب الهی که همان کمال اخلاقی انسان است را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه

نتایج حاصل از این پژوهش این‌گونه جمع‌بندی شده است که می‌توان با معرفی نوع سومی از شر به نام شر ارزشی (ضدارزش) جایگاه ضدارزش‌ها را در نظام تربیتی و رشدی انسان نشان داد. این جایگاه در دستیابی به کمال ثانوی انسانی در قالب رسیدن به قرب الهی و رفع حجاب میان عبد و رب تحلیل می‌شود. شرور در این زمینه برای انسان آگاهی‌بخش بوده و او را نسبت به ارزش‌ها و ظرفیت‌های درونی خود و استفاده از آنها در مسیر وصول الی الله آشنا می‌کند. این آشنایی سبب می‌شود تا انسان در مسیر قرب الهی گام نهاده و با اختیار

خود به کمال نهایی انسان نایل شود. این تقرب به خدا در سایه حسن اختیار انسان و مجاهدت در راه آن اختیار، تحقق می‌یابد که همان کمال اخلاقی انسان است. نکته دیگر این است که ملاک شر را می‌توان یک ملاک ناظر به اجتماع تعریف کرد و از این منظر حرکتی جمعی به سمت کمال انسانی را سامان داد؛ در این مسیر فطرت ارزش طلب و گریزان از ضدازش‌ها در طی مسیر بسیار مؤثر خواهد بود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. ابن سینا، ابوعلی حسین بن علی، ۱۳۷۵، *النفوس من کتاب الشفاء*، تحقیق آیت‌الله حسن‌زاده آملی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، الاولی.
۲. ابن سینا، ابوعلی حسین بن علی، ۱۳۷۹، *النجاة*، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم ابن علی، ۱۹۹۴، *لسان العرب*، بیروت، دار الصادر.
۴. برنجکار، رضا، هادی و کیلی و علی‌رضا بهرامی، ۱۳۹۸، «تحلیل مسئله شر در اندیشه استاد مصباح»، *مجله علمی کلام اسلامی*، سال ۲۸، ش ۱۰۹، ص ۵۸ - ۳۵، قم، دانشگاه قم.
۵. پاشایی، محمدجواد و ابوالفضل کیشمشکی، ۱۳۹۹، «بررسی رابطه علم با کمال در انسان از نگاه صدرالمتألهین»، *مجله پژوهش‌های هستی‌شناختی*، سال نهم، ش ۱۸، ص ۴۴۶ - ۴۲۳، تهران، دانشگاه شهید رجایی.
۶. جان نثاری، حسن و سید اکبر حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۳، *پژوهش‌نامه اخلاق*، ش ۲۵، ص ۱۱۲ - ۹۱، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۷. جوهری، ابونصر، ۱۴۰۷ق، *صحاح تاج اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
۸. خادمی، عین‌الله، ۱۳۹۵، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، شماره ۶۷، ص ۴۸ - ۲۷، قم، دانشگاه قم.
۹. راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، حسین بن محمد، بی‌تا، *المفردات*، بیروت، دار القلم.
۱۰. زبیدی، محمد بن محمد، ۱۸۸۹ م، *تاج العروس فی شرح القاموس*، بیروت، دار الهدایه.
۱۱. سبزواری، حاج ملاهادی، بی‌تا، *منظومه*، چاپ سنگی.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۰، *رساله سه اصل*، با تصحیح حسین نصر، تهران، مولی.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۵، *عرفان و عارف نمایان*، ترجمه کسر اصنام الجاهلیه، ترجمه محسن بیدارفر، تهران، انتشارات الزهرا.

۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۹، *اسفار*، تعلیقات سبزواری و طباطبایی، قم، نشر مصطفوی، چ ۱.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۰، *شیعه در اسلام*، تصحیح محمدعلی کوشا، قم، نشر قدس.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۵، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، صدرا.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۹۹۴، *کتاب العین*، قم، بنیاد نشر اسلامی.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۹۹۱، *القاموس المحيط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، ۱۹۲۸، *المصباح المنیر*، قم، دار الهجره.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۰، *اصول کافی*، کتاب ایمان و کفر، باب شدت بلا و گرفتاری مؤمن، ج ۴، حدیث ۱۴، ترجمه و شرح حسین استاد ولی، تهران، دار الثقلین، چ ۱.
۲۱. گرجیان، محمدمهدی و معصومه اسماعیلی، ۱۳۹۵، «منازل وجودی انسان در حرکت استکمالی عقل از منظر ملاصدرا»، پژوهش‌های هستی‌شناختی، سال پنجم، ش ۹، ص ۴۹ - ۳۵، تهران، دانشگاه شهید رجایی.
۲۲. لاهیجی، ۱۳۷۲، عبدالرزاق، *گوهر مراد*، تهران، وزارت ارشاد.
۲۳. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲ ب، *نظریه حقوقی اسلام*، تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ ج، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، تحقیق و نگارش غلامرضا متقی‌فر، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۵، «اخلاق در قرآن»، *فصلنامه معرفت*، ش ۱۶، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۶. مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۵، *سلسله درس‌های شرح اسفار*، ج ۸، جزء اول، تحقیق محمد سعیدی مهر، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۶، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۸، *آموزش فلسفه*، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، *معارف قرآن، خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۳۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲ الف، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴ الف، *به سوی خودسازی*، تحقیق و ویرایش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۲. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴ ب، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تدوین احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۳. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *سلسله درس‌های شرح اسفار*، ج ۱، جزء دوم، تحقیق محمد محمدتقی سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۴. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ الف، *اخلاق در قرآن*، تحقیق محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ ب، *بهترین‌ها و بدترین‌ها در نهج البلاغه*، تدوین کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۶. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ پ، *پندهای امام صادق به رهجویان صادق*، تدوین محمدمهدی نادری قمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ د، *چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادی اسلامی*، ترجمه و تدوین: حسینعلی عربی و محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۸. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ الف، *پند جاوید*، ج ۲، علی زینتی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۹. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ ب، *جنگ و جهاد در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ ج، *پندهای الهی*، تدوین کریم سبحانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۶، *ره توشه*، ج ۲، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۲. میری، سید محسن، ۱۳۹۹، «تبیین مفاهیم ارزشی در فلسفه اخلاق از دیدگاه علامه مصباح یزدی علیه السلام»، *علوم انسانی اسلامی*، شماره ۳۵، ص ۳۴۴ تا ۳۴۶.